

## نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)

محمد رضا حافظ‌نیا\* و مراد کاویانی\*\*

### چکیده

پس از تشکیل دولت مدرن در ایران - در زمان رضا شاه - تا کنون یکی از دغدغه‌های مخاطره‌های مسئولین امنیتی و سیاسی کشور حفظ یکپارچگی سرزمینی ایران بوده، بگونه‌ای که پس از آن فرآیند مشارکت ملی با چالش‌های جدی مواجه شده‌است و همبستگی ملی متأثر از نوع رویکرد حکومت مرکزی در برخی مناطق ایران که منطبق بر اقوام غیر فارس و غیر شیعه مذهب هستند در دوره‌های خاص تاریخی انسجام سرزمینی کشور را به چالش گرفته‌است.

قوم بلوچ، در جنوب خاوری کشور در استان پهناور سیستان و بلوچستان ساکن است. این قوم که دنباله آن به خارج از مرزهای سیاسی ایران کشیده شده، عوامل پیوندگر متعددی آن را با سایر اجزای ملت ایران پیوند داده، همچنین عوامل دیگری نیز این پیوند را تضعیف کرده‌است. این مقاله بر آن است که ضمن تبیین نظری دو رویکرد کارکردگرایی هارتشورن و آیکونوگرافی (نمادنگاری) گاتمن در خصوص عوامل انسانی و جغرافیایی نقش‌آفرین در همگرایی و واگرایی موثر در وحدت ملی را در خصوص قوم بلوچ مورد پژوهش قرار دهد.

\* گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

\*\* دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

اطلاعات مورد نیاز این تحقیق به روش کتابخانه ای و تهیه پرسشنامه در ارتباط با برخی نخبگان قومی بلوچ (اعضای شورای شهر و مولوی‌ها) و همچنین مصاحبه با مسئولین استان گردآوری شده، سپس اطلاعات گردآوری شده به روش کیفی و توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در نتیجه تحقیق مذکور همگرایی قوم بلوچ با دیگر اجزای ملت ایران افزایش یافته است.

## واژه‌های کلیدی: قوم بلوچ، بلوچستان، قوم، همبستگی ملی

### ۱- مقدمه

دو دهه گذشته جهان شاهد ناآرامی و فروپاشی کشورهای بوده که از بعد ترکیب جمعیتی ناهمگن و دارای تنوع و تعداد اقوام بودند. معمولاً ناهمگنی در قالب اقوام، اقلیت‌ها و تنوعات جغرافیایی از انسجام ملی دولت می‌کاهد.

ایران کشوری است که ترکیب جمعیتی آن از چند جزء نامتوازن و ناهمسان تشکیل شده است. به هر میزان که از مرکز مبتنی بر قوم اکثریت (فارس شیعه مذهب) به پیرامون حرکت کنیم نمادهای همبسته‌ساز میان این اقوام متاثر و به نوعی تضعیف می‌شود. از این رو در برخی مناطق کشور که بیشتر مبتنی بر اقوام غیر فارس و غیر شیعه مذهب می‌باشند و دنباله جمعیتی آنها به خارج از کشور کشیده شده با بحران‌هایی مواجه هستیم که یکپارچگی سرزمینی کشور را در مقاطع خاص تاریخی که حکومت مرکزی تضعیف می‌گردد، تهدید می‌کند. قوم بلوچ در جنوب خاوری کشور با جمعیتی نزدیک به دو درصد کل کشور و در بخش جنوبی استان سیستان و بلوچستان ساکن است. این قوم کمتر در گستره تحولات سیاسی سده معاصر نقش آفرینی داشته است. در این مقاله سعی شده ضمن شناخت زمینه‌های موثر در در این احساس جدایی سرزمینی راهکارهای موثر رانیز جهت بالا بردن انسجام ملی بیان دارد.

### ۲- مبانی نظری تحقیق

#### ۲-۱- علت وجودی دولت

منسجم‌ترین دولتها، آنهایی هستند که دارای علت وجودی یا به قول راتزل<sup>۱</sup>

(پدر جغرافیای سیاسی) «اندیشه سیاسی» و به قول هارتشورن<sup>۱</sup> جغرافیدان سیاسی آمریکایی «اندیشه-دولت» باشند. بنا به گفته هارتشورن وجود چنین اندیشه‌ای باعث همبستگی و انسجام کلیه مردم در مناطق مختلف کشور می‌گردد و به واسطه چنین اندیشه‌ای مردم احساس می‌کنند به یکدیگر تعلق دارند. چنین نیرویی می‌تواند بر نیروهای واگرا غلبه کند و یا حداقل آن را خنثی نماید و برتر از تمام تقسیمات فرهنگی، جغرافیایی و همانند آنها است. «اندیشه سیاسی دولت» مهمترین نیروی متحدکننده و بخش جدایی ناپذیر یکپارچه سازی ملی و ناسونالیسم کارآمدترین «اندیشه سیاسی دولت» است، خواه بر اساس زبان، مذهب، ارزش‌های مشترک و خواه بر تجربیات تاریخی مشترک پی‌ریزی شده باشد به دولت هویت ملی منحصر به فردی می‌دهد. در واقع مجموعه‌ای از اعتقادات و نمادهاست که دل‌بستگی به اجتماع ملی معینی را بیان می‌دارد.

از یک نظر فرآیند ملت سازی شکل دادن به اندیشه سیاسی دولت است، درجه‌ای که این کوشش به موفقیت می‌انجامد تا حدودی به ماهیت و اهداف رهبری سیاسی کشور بستگی دارد. رهبران سیاسی، بی توجه به منبع قدرت و مشروعیت خود برآند تا با ایجاد، گسترش و بهره برداری از آنچه گاتمن<sup>۲</sup> نمادنگاری ملی می‌خواند کشور خود را به وحدت و یکپارچگی برسانند. منظور از نمادنگاری ملی، توجه به کلیه نمادها، مراجع و آرمانهایی است که میان مردم مشترک است و به آنها همبستگی روحی و در نهایت وحدت می‌بخشد (درایسدال و بلیک، ۱۳۷۳: ۲۳۹). یا بررسی نقش نهادهای روحانی یا پدیده‌های فرهنگی مورد اعتقاد مردم در پیدایش ملت‌ها و کشورها است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۳۰۳). دولت-ملت‌ها برآند که عوامل چندگانه‌ای را شاخص تعیین ملیت، هویت ملی و علت وجودی خود به عنوان «ملتی یکپارچه»، جداگانه متمایز از دیگران قرار دهند (تراپی، ۱۳۷۸: ۵۱۰).

وجود یک «آیة دولت» و یک سرزمین سیاسی مشخص، به هر حال و در همه موارد، از عوامل حتمی و زیربنایی ساخت «علت وجودی» یک ملت است. به هم پیوستن یک ملت به دو انگیزه دیالکتیک بستگی دارد: (۱) نیروهای گریزاز مرکز<sup>۳</sup> مانند تفاوت‌های مذهبی، قومی، زبانی، سیاسی، ناحیه‌گرایی اجتماعی و اقتصادی، تفاوت در میزان برخورداری از سازه‌های زیربنایی و امکانات در مناطق مختلف کشور و نظام‌های کاست اقتصادی، اجزای دولت (ملت، سرزمین و

1. Hartshorne  
2. Gottman  
3. Centrifugal Forces

نظام سیاسی) را به سوی متلاشی شدن می‌رانند و ملت‌ها را پراکنده می‌سازد. ۲) نیروهای گراینده به مرکز، اجزای دولت یا ملت را به هم پیوسته نگه می‌دارد: ناسیونالیسم، نمادنگاری، نهادهای متحد کننده، مدیریت و سازماندهی، ترابری و ارتباطات، میهن دوستی، آداب و رسوم و تاریخ مشترک ایده‌های نمادنگاری برخی از وجوه این عوامل پیوندگر است. نظام گردشی از جان گاتمن مثالهای دیالکتیک پراهمیتی از نیروهای گراینده به مرکز هستند. هارتشورن همانند گاتمن و دیگران، نیروهای گراینده به مرکز را عامل پیدایش کشورها و علت وجودی آنها دانسته است. وی در تشریح این باور گفته است: «نیروهای گراینده به مرکز که مورد تایید جغرافیدانان سیاسی قرار دارد، مشخصات مادی موجودیت سرزمینی حکومت هستند». بر خلاف گاتمن که نیروی گراینده به مرکز و علت وجودی کشورها را عامل «آیکونوگرافیک» یا نمادنگاری و معنویت می‌داند، هارتشورن و برخی دیگر از جغرافیدانان عوامل مادی را به اندازه عوامل معنوی مهم می‌دانند. از دید این جغرافیدانان، برای مثال گستره سرزمینی و شکل هندسی - جغرافیایی یک کشور می‌تواند عامل اصلی پیدایش یک ملت یا یک کشور باشد. با این حال، به گمان می‌آید که عوامل مادی، به عنوان نیروهای گراینده به مرکز، درجات متفاوتی از کارایی دیالکتیک داشته باشد (مجتهدزاده، ۱۳۷۶: ۹۲).

## ۲-۲- تحلیل جغرافیای سیاسی دولت

هدف اساسی هر دولت به عنوان سازمان بخشی از زمین و مردم، کنار هم آوردن نواحی مختلف سرزمینی و مردم مناطق مختلف گستره دولت تحت نظام سازمان‌دهی شده واحد است. در همه این موارد تلاش در جهت کنترل کامل و انحصاری بر روابط سیاسی داخلی یا به عبارت ساده‌تر ایجاد و حفظ قانون و نظام می‌باشد. در این شرایط نهادهای سیاسی محلی باید با مفاهیم و نهادهای مرکزی سازگاری یابند البته در سازمان سیاسی دولت در بسیاری از ابعاد اجتماعی متنوع (ساختار طبقاتی، نهاد خانواده، مذهب و تحصیلات) در مناطق مختلف با تساهل برخورد می‌شود. حکومت‌ها برآند وفاداری عالی مردم مناطق مختلف را جایگزین وفاداری و علائق محلی، استانی و دولت‌های خارجی نمایند.

از آنجا که بیشتر دولت‌ها از بعد جمعیتی و سرزمینی ناهمگن هستند، لذا حکومت‌ها باید وحدت مناطق مختلف دولت را از جهت تنوع و تکثر دولت، چگونگی پراکندگی و ناهمسانی‌های داخلی پیگیری و عملیاتی نمایند. در کشورهای مختلف جغرافیدانان به دنبال مطالعه (۱) مناطقی از دولت‌اند که به سبب عوامل انسانی و طبیعی دچار پراکندگی و واگرایی‌اند؛ (۲) مناطقی از دولت که در ارتباط و تماس با دولت‌های خارجی هستند؛ (۳) مناطقی که علایق اقتصادی، جمعیتی و نگرش‌های سیاسی متفاوتی نسبت به مرکز دارند (Dikshit, 1994:169).

### ۳-۲- نیروهای گریز از مرکز در دولت

عوامل طبیعی در ایجاد دشواری ارتباطاتی در میان مناطق مختلف کشور بسیار تاثیر گذارند. هر چند توسعه تلگراف و راه آهن (ترابری) ارتباطات را تسهیل کرده است. نظام سیاسی نیازمند ارتباطات مناطق مختلف باهم و از مرکز سیاسی با نواحی پیرامونی است. فاصله عامل گریز از مرکز به شمار می‌رود که اثرگذاری آن در تقویت نیروی گریز از مرکز به وسعت و شکل دولت بر می‌گردد (Dikshit, 1994:170). تحلیل و بررسی تعاریف دولت کاملاً نشان می‌دهد عناصری وجود دارند که برای موجودیت و حفظ دولت بنیادی بوده، در صورت وجود نداشتن هر کدام از این عناصر، دولت نیز وجود نخواهد داشت (عالم، ۱۳۷۷:۱۳۹) در جغرافیای سیاسی عناصر بنیادین دولت عبارتند از: (۱) مردم (جمعیت)، (۲) سرزمین، (۳) حکومت یا سازمان سیاسی، (۴) اقتصاد سازمان یافته، (۵) شبکه منظم ارتباطاتی، (۶) حاکمیت، (۷) شناسایی بین‌المللی (میرحیدر، ۱۳۸۰: ۴۸). شایع‌ترین عامل تاثیر گذار انسانی در گستره سرزمینی مناطق دولت، نبود یا پراکندگی جمعیت در آن مناطق است. مناطق غیر مسکونی، سکونتگاه‌های پراکنده در ارتباطات و مراودات درون سرزمینی کارکردی منفی دارند. معضل اساسی زمانی بروز می‌یابد که مناطق مختلف سرزمینی دولت روابط نزدیکتری با دیگر دولت‌ها داشته باشند. این پدیده در مناطقی ظاهر می‌گردد که مرز امروزی در منطقه‌ای باشد که سابقاً در داخل دولت دیگری قرار داشته است. از این رو تاثیر عامل تنوعات انسانی در تقویت نیروی گریز از مرکز به مراتب اثرگذارتر از سایر عوامل اثرگذار است. حکومت‌ها برای همسان‌سازی مناطق با توجه به تنوعات انسانی تلاش می‌کنند که گاهی نیز همین اقدامات، ناهمسانی‌ها را تشدید می‌کنند.

## ۴-۲- نیروی مرکزگرا

هر کشوری دارای نام و حکومتی است که از طریق معاهدات بین‌المللی، موجودیت‌اش را به عنوان دولت با محدوده معین به دیگر دولت‌ها می‌شناساند. در مطالعه تکاملی مفهوم دولت شناخت نیروهای گریز از مرکز و مرکزگرا در مناطق مختلف دولت ضروری است. «اندیشه دولت» نیروی مرکزگرای اصلی است که نشانگر دلیل اصلی وجود دولت‌هاست. دولتی که دلیل وجودی و اعتباری‌اش را از دست نداده باشد به یکباره از هم نخواهد پاشید. نیروهای خنثی‌گر، منابع مستقر (در حفظ وضع موجود) و ترس از دگرگونی شرایط کنونی نیز بقای دولت را تداوم می‌بخشند. اما فروپاشی ساختار دولتی که دلیل وجودی‌اش را بدون اینکه گونه جدیدی جایگزین آن کرده باشد، در برابر کشمکش با نیروهای خارجی و ناآرامی‌های داخلی که دیر یا زود گریبانگیر دولت خواهد شد - حتمی است. بقای دولت‌ها منوط به وفاداری مردم مناطق مختلف و حتی کشته شدگان (شهدا) آنان است. راتزل بر این باور بود که ایده سیاسی همه کالبد دولت را فراگرفته و مناطق مختلف آن را در بر می‌گیرد (Dikshit, 1994: 173). اما شواهد موجود دیدگاه وی را تأیید نمی‌کند، زیرا حکومت‌ها به عنوان کارگزار دولت توانستند همانندسازی ملی را به خوبی انجام دهند. هر چند ملت را گروه انسانی تعریف کرده‌اند که اعضای آن در اثر عوامل پیوندگر مادی و معنوی به یکدیگر وابسته‌اند و نسبت به جماعت احساس تعلق می‌کنند و سرنوشت خود را با سایر اعضا آن یکی می‌دانند (قاضی، ۱۳۷۵: ۵۶). همه متفکرانی که درباره ملت سخن و بحثی دارند از برخی عوامل عینی که وجود آنها به ظهور ملت کمک کرده است نام می‌برند و در عین حال اعلام می‌دارند که وجود هر یک از آنها بنحو مطلق ضروری است. از جمله مهمترین این عوامل می‌توان به نژاد و خویشاوندی، اشتراک دین و زبان، بستگی‌های جغرافیایی، بستگی‌های مشترک اقتصادی و تاریخ یا سنت‌های مشترک اشاره کرد. اما در مورد وجود داشتن یکایک آنها اتفاق نظر نیست (عالم، ۱۳۷۷: ۱۵۵).

## ۵-۲- قوم و قومیت

قوم را سازمان اجتماعی تشکل یافته‌ای تعریف می‌کنند که بر پهنه سرزمین معینی قرار دارد و شامل مردمی است که در طول تاریخ با هم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی و ... برقرار کرده‌اند، دارای زبان، ویژگی‌های فرهنگی، پیوندهای خویشاوندی، ارزش‌های اجتماعی و

سنت‌های مشترک‌اند. در گذشته مشخصات خونی و نژادی نیز ملحوظ می‌شد ولی امروزه در پی اندر آمیختگی آنها دیگر به حساب نمی‌آیند (ابوطالبی، ۱۳۷۹: ۱۳۱). شاخص‌های عمده قومی عبارتند از: خودآگاهی قومی، زبان مادری، سرزمین نیاکان. در مورد برخی از اقوام، ویژگی‌های روانی (حالات روحی)، فرهنگی، شیوه زیستن و یا گونه معینی از سازمان اجتماعی - سرزمینی (دولت) و یا خواستها و تمایلات آشکار افراد یک قوم برای برپایی یک سازمان نیز می‌تواند جزو شاخص‌ها باشند (شیخاوندی، ۱۳۶۹: ۷۶). واژه قوم را باید بیشتر مقوله‌ای فرهنگی بشمار آورد و قومیت را می‌توان یک ایده دانست، یک ساخت فرهنگی مرتبط با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول که همراه با شرایط متغیر محیطی، مدام در حال دگرگونی است (شیخاوندی، ۱۳۶۹: ۲۷۶). بر این اساس می‌توان هویت قومی را چنین تعریف کرد: سنت فرهنگی مشترک و احساس هویتی که قوم را به عنوان گروهی فرعی از جامعه بزرگتر مشخص می‌کند و اعضای هر گروه قومی از لحاظ ویژگی‌های خاص فرهنگی از سایر اعضای جامعه، خود را متمایز می‌دارند (داوری، ۱۳۷۶: ۴۴). در حقیقت هویت بر آگاهی و تعمق بیشتر اعضای گروه و عواطف مثبت و منفی آنها در خصوص ویژگی‌هایی دلالت دارد که اعضای گروه به واسطه همین خصوصیات، خود را مشترک یا متفاوت با دیگران احساس می‌کنند.

## ۲-۶- ملت‌ها و ناهمسانی‌ها

در اوایل سده کنونی به نظر می‌رسید که دولت‌ملی، نمایانگر نقطه اوج تکامل سیاسی جغرافیایی باشد. در واقع اصطلاح دولت‌ملی، از چنان کاربرد وسیعی برخوردار شده که بیشتر به عنوان مترادفی برای واژه کشور بکار می‌رود. کارنر در سال ۱۹۷۸ نشان داد که از ۱۳۲ واحد سیاسی که در سال ۱۹۷۱ عموماً کشور تلقی می‌شدند، تنها ۱۲ و یا ۹/۱ درصد در حقیقت کشورهایایی بودند که مرزهایشان کاملاً و یا بنحو تقریبی با توزیع سرزمینی یک گروه ملی واحد انطباق داشت. ۲۵ مورد دیگر هم بود که در آنها با اینکه اعضای یک ملت واحد بیش از ۹۰ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دادند، اقلیت مهمی نیز در آنان وجود داشت. در ۲۵ مورد دیگر، یک گروه ملی بالغ بر ۷۵ تا ۸۹ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌داد و در ۳۹ مورد دیگر بزرگترین گروه بالقوه کمتر از نصف جمعیت را شامل می‌گردید سپس در سال ۱۹۹۳ او محاسبه کرد که از ۱۸۰ کشور شاید کمتر از ۱۵ کشور را می‌توان در حکم یک دولت‌ملی تلقی کرد. ژاپن، ایسلند، دو

کره، پرتقال و معدودی دیگر. بنابراین کشور چند ملیتی (و چند قومی) شایع‌ترین نوع کشورهاست. کشور چند ملیتی (و چند قومی) از لحاظ آماری و سیاسی حداقل دو گروه مهم را شامل می‌شود. در ۴۰ درصد تمام کشورها، ۵ یا تعداد بیشتر از چنین گروه‌هایی وجود دارد. شگفت‌آورترین آمار این است که نزدیک به یک‌سوم تمام کشورها، ۳۱٪ بزرگترین گروه ملی حتی اکثریت را نیز تشکیل نمی‌دهند (مویر، ۱۳۷۹: ۱۹۵). از بعد نظری بر اساس ترکیب قومی - فرهنگی سه نوع دولت وجود دارد:

۱- جایی که کل جمعیت شامل گروه کاملاً متجانسی است.

۲- جایی که اکثریت گروه بزرگ فرهنگ غالب را تشکیل می‌دهند و اقلیت کوچکی از نظر جغرافیایی در سراسر کشور پراکنده‌اند.

۳- جایی که جمعیت ملی ترکیبی از گروه اکثریت نسبتاً بزرگی است و در عین حال گروه‌های (زبانی و قومی) اقلیت از نظر جغرافیایی در مناطق خاصی متمرکز باشند. مانند کانادا، سوئیس.

از منظر وحدت ملی کشورهای نوع اول در مساعدترین شرایط قرار دارند و نیروهای واگرا فعال نیستند. در مورد دوم گروه‌های اقلیت، کوچک و از نظر جغرافیایی پراکنده‌اند. آنها غالباً قادر به پیگیری مطالباتشان نیستند از این رو به آسانی در فرآیند همانند سازی قرار می‌گیرند. در مورد سوم (که منطبق با دولتهای فدرالی است) جدی‌ترین مشکلات همسان‌سازی وجود دارد که وحدت سیاسی را تحدید می‌کند. مطالعه تطبیقی کارکرد فدراسیون‌ها نشان می‌دهد که عامل اساسی در ثبات فدرال این است که هویت‌های منطقه‌ای اساس شکل‌گیری واحدهای فدرال هستند. هنگامی که خطوط مرزی با تنوعات منطقه‌ای - هویتی در فدراسیون بر هم منطبق شوند، شکاف‌ها و اختلافات رفع شده که در نتیجه آن مشارکت فدرالی با ثبات به وجود می‌آید (Dikshit, 1994: 49).

## ۲-۷- همبستگی ملی

تفاوت میان فرهنگ‌ها به مؤلفه‌هایی همانند تاریخ، زبان، اعتقادات، آداب و رسوم، نهادهای اجتماعی و نژاد بر می‌گردد. مؤلفه‌هایی که به خاطر پیوند نزدیکشان با یکدیگر، بر اثر گذر ایام برآیند خاصی را به وجود می‌آورند که همانا هویت و روح کلی کشورهاست (جلایی



پور، ۱۳۷۵: ۵۱۱). هویت ملی همان حالتی است که میان مردم در سراسر کشور همبستگی ایجاد می‌کند که برابر آن، از سایر هویت‌ها جدا می‌گردد. برای تقویت هویت ملی باید اراده با هم زیستن بین اقوام گوناگون یک سرزمین تقویت شود (جلایی پور، ۱۳۷۲: ۲۰۲). حس همبستگی ملی، احساسی است که مفهوم تعیین هویت و وفاداری را در بر دارد، بدین ترتیب در حس همبستگی ملی احساس مشترکی میان سرزمین و مردمان مختلف آن بوجود می‌آید بدون آنکه آنها از لحاظ فرهنگی و فضایی به هم نزدیک باشند (بهورز، ۱۳۷۴: ۱۱۲).

## ۲-۸- فناوری اطلاعات و ارتباطات

تحول ژرفی که پیرامون فناوری اطلاعات و ارتباطات رخ نموده‌است، به همراه خود تغییر در سرمشق (پارادایم) فناوری (از فناوری صنعتی به فن‌آوری اطلاعاتی) را موجب شده‌است. امروزه در حالیکه فناوری اطلاعاتی به مهمترین عامل تولید، رقابت پذیری، رشد اقتصادی و حضور در بازارهای جهانی تبدیل شده است، لیکن از رهگذر قوت بخشیدن به نیروی مرکزگریز، جهان‌گرا و بازیگران متعدد دیگر، در چهره مهمترین ابزارهای به چالش‌طلبی مرزهای سیاسی، به حاشیه رانی دولت - ملت و نیز تحلیل‌بردن حاکمیت ملی ظاهر شده‌اند (تاجیک، ۱۳۸۰: ۱۸). امروزه از چنین گفتمانی بیشتر با عنوان جهانی‌شدن یاد می‌کنند. از پیامدهای مهمی که جهانی‌شدن بر پدیده‌های جغرافیایی- سیاسی دارد: سه موضوع تضعیف دولت - ملت‌ها، تقویت هویت‌خواهی‌های قومی و کاهش نقش مرزهای جغرافیایی است (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۰: ۲۳۸) تا جایی که جهانی‌شدن را با توجه به کم‌رنگ‌شدن مرزهای سیاسی پایان عصر جغرافیا دانسته‌اند (فلاحی، ۱۳۸۰: ۳۲۰) زیرا جهانی‌شدن را به معنای روابط گسترده‌تر و تعاملات بیشتر، سریع‌تر و برداشتن مرز میان قلمروهای جغرافیای سیاسی می‌دانند (هاشم گلپایگانی، ۱۳۸۱: ۴۴) این دگرگونی‌ها کارکرد سنتی مرزهای جغرافیایی که ایجاد مانع در برابر حرکت انسانها، اجناس و تفکرات بوده است (درایسدال، ۱۳۷۳: ۱۳۶) را با چالش جدی مواجه می‌سازد. امروزه رسانه‌ها در یک فرآیند شتابان قادرند هویت‌های مجازی برای افراد و گروه‌ها درست کنند، بدون اینکه مرزهای سیاسی مورد تجاوز نظامی قرارگیرند، موجب تخریب هویت‌های ملی می‌شوند و در نتیجه، افزایش بحران‌ها، مسایل ملی و هویت‌خواهی‌ها در فرآیند جهانی‌شدن تشدید می‌گردد. این وضعیت در کنار رویکرد توسعه و افزایش سطح مرادوات و مبادلات زمینه‌ساز بسط و گسترش آگاهی‌های قومی و فرهنگی و در نهایت خیزش قومی می‌گردد.

### ۳- الگوی ترکیبی و هویتی ملت ایران

فلات ایران از روزگاران کهن جایگاه سکونت اقوام گوناگون با موقعیت‌های تقریباً همانند بوده است. از این رو ایران کشوری چند قومی است. در خصوص ترکیب جمعیتی ایران آمارهای مختلفی وجود دارد که برخی از آنان کاملاً جهت‌دار و بر اساس مصالح و منافع خاصی تدوین شده‌اند. برخی نیز برای بعضی اقوام همانند لر، مازنی، گیلک (و عمده مناطق استان کرمانشاه و ایلام) و... هویت مستقلی با توجه به همسانی‌های بسیار آنان با فارس‌ها قایل نیستند و این اقوام را در قالب فارس به شمار می‌آورند. با توجه به این مسایل، اکثریت جمعیت نزدیک با ۷۰٪ فارس (قومیت مرکزی)، ۱۸٪ ترک، حدود ۵٪ کرد، حدود ۲٪ بلوچ، تقریباً ۲٪ عرب و ۱/۵٪ ترکمن هستند (حافظ نیا، ۱۳۷۹). اکثر اقوام ایرانی در دو سوی مرزهای بین‌المللی سکونت دارند. اسلام شیعی (مذهب اصلی) مورد قبول تقریباً ۹۰٪ ایرانیان است و ۱۰٪ دیگر نیز اهل سنت شافعی و حنفی که در مناطق کردنشین غرب کشور (استان کردستان) و بلوچ‌ها و ترکمن‌ها در شرق، شمال و شمال شرقی ایران پراکنده‌اند.

### ۴- عوامل همبستگی ملی در ایران

#### ۱-۴- دین

دین یکی از عناصر عمده و تاریخی هویت ملی است که ارزش‌های زنده یک جامعه را در بر می‌گیرد و این موضوع در کشورهای اسلامی کاملاً صادق است. دین اسلام، دین رسمی کشور ایران است که ۹۹/۵٪ مردم ایران مسلمان‌اند و از آن میان حدود ۹۰٪ مسلمانان ایران شیعه مذهب هستند (حافظ نیا، ۱۳۷۹). تشیع عنصر تاریخی و جزو جدایی‌ناپذیر روح هویت ملی ایرانیان است. بسیاری از سنتها، آداب و رسوم و ارزشهای فرهنگی در شیوه زندگی ایرانیان کم و بیش در قالب تشیع شکل گرفته است و کمتر تحولی در تاریخ چند صد ساله اخیر ایران اتفاق افتاده که متأثر از حوزه مذهب تشیع نباشد. ایران یکی از آن نمونه‌های شکل‌گیری دولت در قالب یک مذهب است. ایران منهای دین اسلام و منهای تشیع، فاقد بخشی از هویت واقعی خویش است زیرا تشیع با تمام ارکان فکری و فرهنگی این جامعه ارتباط دارد (توسلی، ۱۳۷۲: ۴۲).

#### ۲-۴- زبان فارسی

در بسیاری از تعاریفی که از ناسیونالیسم به عمل آمده زبان را از عناصر تشکیل دهنده آن

به حساب آورده اند. زبان فارسی یکی از عناصر فرهنگ ملی ایرانیان است. ممکن است زبان فارسی در افغانستان، تاجیکستان، پاکستان، ازبکستان و در جاهای مختلفی وجود داشته باشد ولی مسلم است که هویت ملی ایران با کشورهای مزبور یکسان نیست زیرا کشورهای مختلفی وجود دارند که هویت ملی مختلف ولی زبان واحدی دارند. هویت ملی امری یک بعدی نیست که بتوان آن را در زبان خلاصه کرد (کاتم، ۱۳۷۱: ۲۸). تنوع گستره زبانی در ایران نشان می‌دهد که این مسأله برای ناسیونالیسم ایران مشکلاتی ایجاد کرده است. همگان بر این نکته متفق‌اند که زبان فارسی، زبان اکثریت ایرانیان است. زبان فارسی که زبان اول این کشور است هرگز از سوی سایر گروه‌های زبانی بنحو جدی مورد سؤال واقع نشده و آن را امری تحمیلی نمی‌دانند (کاتم، ۱۳۷۱: ۲۹). یکی از وجوه ناسیونالیسم ایرانی پرداختن به شکوه قدرت حکومت‌های پیش از اسلام است. زبان فارسی با وجود گذار از دورانهای مختلف پیش از اسلام، در نخستین سده‌های دوره اسلامی، در انتقال آیین‌نامه‌های دوره ساسانی نقش مهمی در تکوین زبان ادب فارسی ایفا کرد. در این سده‌ها، بسیاری از آیین‌نامه‌های ساسانی به عربی ترجمه و برخی از آنها نیز به زبان پهلوی بازنویسی یا بازپرداخته شد و همین نوشته‌ها از آن پس به زبان فارسی نوشته یا سروده شد. مضمون بیشتر این آیین‌نامه‌ها دارای صبغه مدنی و سیاسی بود و به همین دلیل، در زمانی که زمینه استقلال ایران در سیطره دستگاه خلافت آماده می‌شد، مورد توجه قرار گرفتند (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۱۶۴). البته گویش‌های متنوع فارسی عامل تفرقه و جدایی نیستند. گسترش و نفوذ زبان فارسی در کل فلات ایران یک انتخاب طبیعی برای اقوام ایرانی بوده است (جلایی پور، ۱۳۷۸: ۳۱۴). بسیاری از زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی نظیر کردی، لری، بلوچی، گیلکی، تالشی و... خاستگاه یکسانی با زبان فارسی دارند و بسیاری از واژگان آنها یا کاملاً همانند فارسی ادا می‌شوند یا در گذشته زبان فارسی بکار می‌رفته‌اند. به همین خاطر زبان فارسی تقریباً برای همه افراد این اقوام قابل فهم است و در طول تاریخ نیز عامل ارتباطاتی این اقوام نسبت به هم به شمار می‌رفته است.

### ۳-۴- آیین‌های پیوندگر

سنن و آداب کنونی هر قوم قدیمی یادمانی از گذشته‌های دور دارد. بسیاری از آداب و رسوم در جریان تحول خود به عنوان عناصر پیوندگر اعضای یک قوم یا افراد ملت نقش خود را حفظ کرده‌اند. نوروژ به عنوان یک جشن کهن از اقوام گوناگون منطقه به میراث رسیده و با رنگ

و آب ویژه خود شناسنامه ایرانی گرفته و به نماد پیوندگر افراد، اقوام ایرانی و ملت ایران تبدیل شده، امروزه نوروز به عنوان جشنی ملی تجلیگاه یگانگی، هم اندیشی، همکنشی و همدلی ایرانیان در درون مرزهای ایران زمین است و اینک هم به عنوان یکی از مهمترین عناصر فرهنگ ملی و منطقه‌ای عامل همبستگی ملی اقوام تشکیل دهنده ملت و نیز بستر پیوستگی فرهنگی ملل همجوار و هم مرز ایرانی بشمار می‌رود (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۱۱۳). فرهنگ و تمدن ایرانی از آموزه‌های دین اسلام تأثیر عمیقی پذیرفته به گونه‌ای که هویت ایرانی، هویتی ایرانی اسلامی است. وجود آیین‌ها و مراسم مربوط به محرم، اعیاد قربان و فطر در میان همه اقوام و مذاهب اسلامی در ایران زمینه ساز پیوند میان اجزای مختلف ملت ایران بوده است.

### ۵- موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرق ایران واقع شده است. این استان از شمال به خراسان و از جنوب به دریای عمان، از خاور به کشور افغانستان و پاکستان و از باختر به استان کرمان و هرمزگان محدود می‌شود. وسعت آن حدود ۱۸۱/۵۷۸ کیلومتر مربع است که ۸/۱۱۷ کیلومتر مربع آن مربوط به سیستان و ۱۷۳/۴۷۸ کیلومتر مربع متعلق به بلوچستان است که ۱۹٪ وسعت کل کشور را در بر می‌گیرد و از جمله خشک‌ترین استان‌های کشور بشمار می‌رود. بخشی از این استان شامل چاله کویری لوت می‌باشد. در مجموع اقلیم این استان از نوع آب و هوای بیابانی است. حداکثر نزولات جوی مربوط به شهرستان خاش و زاهدان با میانگین سالانه ۱۲۰ میلی‌متر و کمترین مقدار آن مربوط به شهرستان زابل با متوسط سالانه ۵۱ میلی‌متر است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۵: ۱۸).

### ۵-۱- مرزهای سیاسی بلوچستان

مرزهای سیاسی امروزی ایران به ویژه در خاور کشور بیشتر در دوران سلطنت پادشاهان قاجار شکل گرفته‌اند. مرزهای کنونی بلوچستان نیز در زمان قاجار و در اثر دخالت کشور انگلستان که منافع خود را در خاور ایران بویژه در هندوستان یافته بود به وجود آمد. انگلستان به منظور بستن راه نفوذ روسیه به هندوستان به اشغال تدریجی بلوچستان پرداخت و با نفاق افکنی در میان خانها و سرداران بلوچ و ضعف دولت مرکزی ایران حداکثر استفاده را به عمل آورد. بدین منظور انگلستان یکی از مأموران خود بنام گلداسمیت را به منطقه فرستاد، وی ضمن بازرسی منطقه حدودی را

برای حکومت کلات (پاکستان کنونی) تعیین کرد و بدون اینکه مورد موافقت نمایندگان ایران قرار گیرد، الیزان وزیرمختار انگلستان در ایران طرح گلداسمیت را برای ناصرالدین شاه فرستاد و او نیز نقشه را پذیرفت به این ترتیب انگلستان موفق شد بخشی از بلوچستان بزرگ را از ایران جدا کند (شه بخش، ۱۳۷۷: ۱۹).

### ۱-۵- تقسیمات سیاسی استان سیستان و بلوچستان

بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی کشوری در سال ۱۳۷۹ این استان دارای ۸ شهرستان، ۳۲ بخش، ۳۰ شهر و ۹۴ دهستان است. شهرستان های این استان عبارتند از: زاهدان، ایرانشهر، چابهار، خاش، میرجاوه، سراوان، زابل، نیک شهر و سرباز (دفتر تقسیمات کشوری، ۱۳۷۹). جمعیت استان در سال ۱۳۷۵ برابر با ۱/۷۲۲/۵۷۹ نفر با تراکم نسبی ۹/۱ نفر در هر کیلومتر مربع است (سرشماری آمار عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵). با توجه به روند کنونی رشد جمعیت ۳/۹٪ استان (هفته نامه زاهدان، ۱۳۷۹: ۶)، جمعیت آن در ۱۸ سال آینده بر اساس فرمول زیر دو برابر خواهد شد. ۳/۹٪ نرخ رشد سالیانه جمعیت و X زمان دوبرابر شدن جمعیت است.

$$X = \frac{70}{R}$$

$$X = \frac{70}{3.9} = 17.94$$

### ۳-۵- بلوچ و بلوچستان

بلوچستان متشکل از دو تکواژه «بلوچ» نام قوم و «ستان» نشان مکان به مفهوم جایگاه قوم بلوچ، از زمان نادرشاه تا به امروز این سرزمین «بلوچستان» نام داشته است (ترابی، ۱۳۶۹: ۱۰۶). درباره اصل و نسب قوم بلوچ نظرات متفاوتی ابراز شده است. اما اکثر صاحب نظران بر این باورند که موطن اولیه این قوم محل کنونی ایشان نبوده است و آنها بنا به مصالح و مناسبت هایی به این محل کوچ کرده اند (ترابی، ۱۳۶۹: ۱۰۶). بسیاری از پژوهشگران قوم بلوچ را از اقوام آریایی دانسته اند. قرابت زبان بلوچی با زبان باستانی اقوام «مادی» مؤید این گمان است. پیشینه آنان به تاریخ مدون ایران می رسد (شه بخش، ۱۳۷۳: ۲۰).

#### ۴-۵- پیشینه زبان بلوچی

زبان بلوچی در سلسله مراتب گروه‌بندی زبان فارسی از گروه زبانی شمال و جزو زبانهای غربی ایرانی به شمار می‌رود (ترابی، ۱۳۶۹: ۱۰۸). به سبب مجاورت با زبان‌های شرقی ایران برخی از شناسه‌های زبانی آنها را اقتباس کرده، این زبان در مواردی به پهلوی ساسانی و در مواردی دیگر به پهلوی اشکانی گرایش داشته است. زبان بلوچی از جهت ساخت و ترکیب از قدیمی‌ترین زبانهای ایرانی می‌باشد. به دلیل شکل و وضعیت زندگی قوم بلوچ که ایلی و صحرائشینی بوده، زبان بلوچی زبان محاوره‌ای مانده، به گونه‌ای که کمتر آثار مکتوبی از این زبان و یا لهجه‌های مختلف آن به دست آمده است. به دلیل آمیختگی با زبان فارسی و فارسی‌زبانان، قوم بلوچ از خط و کتابت زبان فارسی برای تدوین ادبیات خویش یاری جسته‌اند (ترابی، ۱۳۶۹: ۱۰۸).

#### ۵-۵- مذهب و اعتقادات منطقه بلوچستان

مردم منطقه بلوچستان مسلمان و حنفی مذهب‌اند. آنان اکثریت جمعیت استان سیستان و بلوچستان را تشکیل می‌دهند (غراب، ۱۳۶۴: ۲۵).

#### ۶- عوامل مؤثر بر تقویت مسایل قومی در منطقه بلوچستان

##### ۶-۱- عوامل داخلی

##### ۶-۱-۱- ترکیب قومی و مذهبی استان

ساخت جامعه بلوچی، ساختی عشایری و روستایی است. بر اساس آمار سال ۱۳۷۵ حدود ۵۲/۷٪ جمعیت آن را روستاییان تشکیل می‌دهند (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵). هرچند این آمار مربوط به کل استان است، ولی واقعیتی انکارناپذیر است که نسبت بلوچ عشایر و روستایی در استان نسبت به فارس‌های شیعه مذهب بالاتر است. بلوچ‌های شهرنشین از مهاجران روستایی یا عشایر هستند. اکثریت جمعیت استان، اهل سنت و حنفی مذهب‌اند.

توزیع جمعیت استان بر حسب صفات قومی - مذهبی

شماره	شهرهای استان	ترکیب مذهبی		قومیت عمده
		شیعه	سنی	
۱	چابهار، خاش، سراوان، ایرانشهر، نیک‌شهر	۵٪	۹۵٪	بلوچ
۲	زابل	۶۰٪	۴۰٪	فارس
۳	زاهدان	۵۰٪	۵۰٪	بلوچ - فارس

منبع: استانداری سیستان و بلوچستان ۱۳۷۹

۲-۱-۶- نقش دولت مرکزی

تاریخ بلوچستان با تاریخ ایران پیوسته و متأثر از نظم و یا هرج و مرج داخلی بوده است. آنگاه که دولت مقتدری می‌توانست همه کشور را تحت حاکمیت واحدی درآورد، ساکنان این سرزمین اطاعت می‌نمودند. در سده معاصر، پس از به قدرت رسیدن رضاشاه، وی سیاست دوجانبه را در پیش گرفت. وی از یک طرف به سرکوب بلوچها پرداخت و از سوی دیگر با نواختن برخی بزرگان و سران طوایف به آرام کردن منطقه توفیق یافت. دولت در زمان پهلوی اول و دوم، پس از تلاش در جهت جذب سرکردگان بلوچ اقدامات مختلفی برای عمران و آبادانی منطقه آغاز کرد. دانشگاه سیستان و بلوچستان و حوزه علمیه اهل سنت ساخته شدند. پیش از این طلاب علوم دینی که قبل از این برای تحصیل به پاکستان می‌رفتند، در ایران به تحصیل مشغول شدند (براهویی، ۱۳۷۸: ۱۸۴). انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به قدرت نخبگان سنتی بلوچ پایان داد و مهمترین ضربه را به نفوذ خوانین و سردارها وارد ساخت. در بدو انقلاب بسیاری از نخبگان بلوچ در سمت‌های مهم اجرایی، اداری و سیاسی قرار گرفتند که پس از چندی این مشارکت کنار گذاشته شد و به تدریج از سلسله مراتب اداری و اجرایی حذف شدند و در حاشیه قرار گرفتند (احمدی، ۱۳۷۹: ۱۱۶) باید توجه داشت که احساس محذوف بودن و در حاشیه قرار گرفتن بدون تردید تهدید کننده همبستگی ملی است. حتی پس از دوم خرداد و مطرح شدن مباحث

مربوط به مشارکت ملی و ایران برای همه ایرانیان تنها دو نفر از بخشداران استان بلوچ بودند (تدین، ۱۳۷۹).

### ۳-۱-۶- واگرایی از قانون و حکومت مرکزی

واگرایی از قانون و حکومت مرکزی نوعی گسست ارزشی در زمینه قواعد و الگوهای قانونی است که نظم بیرونی جامعه را برقرار می‌کند. به عبارت دیگر واگرایی از حکومت نوعی بیگانگی در عدم مشروعیت و مقبولیت قوانین حقوقی در میان افراد جامعه و به ویژه کسانی است که در تشکلهای سنتی سیاسی و ایلی خود متشکل گشته‌اند. عدم پذیرش و مقبولیت قوانین حقوقی و قضایی در جامعه منجر به حل و فصل اختلافات خارج از چارچوب قانونی می‌گردد. در نتیجه میان دولت قانونی و اقتدار سنتی تعارض و اختلاف به وجود می‌آید که واگرایی را دامن زده و بحران را تشدید می‌کند (صحفی، ۱۳۸۰: ۳۵۱). از ویژگی‌های اساسی جمعیت در سیستان و بلوچستان ترکیب قومی جمعیت است که هر یک از افراد بلوچ و سیستانی خود را به طایفه ایلی منتسب می‌داند. در هر دوی جوامع شهری و روستایی بخش اعظم جمعیت بلوچستان را ایلات و طوایف بلوچ تشکیل می‌دهند. در بلوچستان به علت شرایط فرهنگی - اجتماعی میزان پذیرش و مقبولیت دستورها و فرمان‌های رؤسای قبایل و مولوی‌ها از حاکمیت و قوانین دولتی بیشتر است. این ویژگی از نفوذ حاکمیت در میان مردم می‌کاهد (قالیاف، ۱۳۷۵: ۸۰). بسیاری از بلوچ‌ها مدارس دولتی را باعث بی‌دینی بچه‌های خود دانسته و به آنها اعتماد ندارند، بخصوص در مورد دروس مذهبی که آن را مخالف عقاید و باورهای خود می‌دانند (افشار، ۱۳۶۳: ۸۵).

### ۴-۱-۶- نقش مولوی‌ها و روحانیون اهل سنت

نخبگان مذهبی بلوچ یعنی مولوی‌ها، به عنوان متنفذترین گروه مرجع افراد بلوچ، در مسایل فرهنگی و مذهبی بلوچستان نقش اساسی ایفا می‌کنند. پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و کنار گذاشته شدن خوانین از سلسله مراتب منزلت قدرت سیاسی - اجتماعی از طرف دولت انقلابی جدید، الگوی متناسب مدیریتی نوینی جایگزین الگوی مدیریتی سنتی که خان یا سردار در راس هرم قدرتی آن قرار داشت، گذاشته نشد. با عنایت به هویت اسلامی انقلاب، مولوی‌ها در راس جایگاه نظام مدیریتی سابق منطقه قرار گرفتند که با روحیات دولت انقلابی جدید سازگارتر



می‌نمود، به گونه‌ای که مولوی‌ها پس از انقلاب از نفوذ و اقتدار بالایی برخوردار گشته و حلقه اتصال مردم به حکومت شدند (مصاحبه نگارنده با آقای تدین، ۱۳۷۹). کارشناسان سیاسی سازمان تبلیغات اسلامی بیرجند، فرمانداری و بخشداری های تابعه بر این باورند که اهل سنت بیرجند، الگوی کاری خود را به ویژه در زمان حساس انتخابات از اهل سنت بلوچستان و به ویژه از مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت شهر زاهدان می‌گیرند. به نحوی که از ۹ نفر اعضای شورای شهر زاهدان در دور نخست انتخابات شهر و روستا، ۶ نفر اول بلوچ اهل سنت بودند. این تعداد منتخب در ایام انتخابات شوراهای شهر و روستا از حمایت جدی مولوی‌ها برخوردار بودند (خبرگزاری جمهوری اسلامی - زاهدان، ۱۳۸۰). با توجه به شرایط فرهنگی - اجتماعی یعنی مذهب و عشیره‌ای بودن این جامعه باعث گردیده که مقبولیت سران طوایف و مولوی‌ها در نزد مردم بلوچ به مراتب از مقبولیت و حاکمیت دولتی بیشتر باشد (مصاحبه نگارنده با قاسمی، ۱۳۷۹).

#### ۵-۱-۶- انزوای جغرافیایی

منطقه بلوچستان به عنوان بخش بزرگ استان سیستان و بلوچستان که مجموعاً حدود ۶/۵٪ وسعت کشور را تشکیل می‌دهد به دلایلی از جمله دورافتادگی، در حاشیه بودن و به ویژه گستردگی فضایی این استان با مناطق مرکزی و داخلی به واسطه وجود دو صحرای بزرگ دشت لوت و دشت کویر با انزوای جغرافیایی مواجه بوده که عملاً باعث واگرایی عمیق بلوچ‌ها از نظر سیاسی نسبت به حکومت مرکزی در طول تاریخ شده است. با وجود همگرایی عمیق، دیرینه و گسترده بلوچ‌های ایران و پاکستان به ویژه در نواحی مرزی، آسیب‌پذیری پاکستان به دلیل حجم، وسعت و اهمیت استراتژیک بلوچستان از ایران و افغانستان بیشتر است. به همین دلیل حکومت‌های پاکستان طی نیم سده اخیر در این زمینه تمایل فراوانی به همکاری استراتژیک با ایران از خود بروز داده‌اند (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۶۴).

#### ۶-۱-۶- ظهور گرایش سیاسی محلی گرا در بلوچستان

بلوچ‌های ایران در فعالیت‌های سیاسی شرکت فعال نداشته‌اند. آنان هرگز یک شکل سیاسی یا نظامی خاص خود حتی برای مدت کوتاه ایجاد نکرده‌اند (احمدی، ۱۳۷۹: ۲۶۴). حرکات سیاسی محلی گرای بلوچ‌ها عمدتاً در بلوچستان شرقی و پاکستان متمرکز بوده و تعداد

اندکی از بلوچ‌ها نیز چشم به شرق داشته‌اند. یکی از دلایل عمده فقدان گرایش سیاسی قوی در میان بلوچ‌های ایران پیوند عمیق تاریخی، زبانی و فرهنگی آنها با سایر ملت ایران بوده است (احمدی، ۱۳۷۹: ۲۶۴).

## ۲-۶- عوامل بیرونی

### ۱-۲-۶- نیروهای مداخله‌گر منطقه‌ای در مسائل قومی بلوچستان

مداخله خارجی در بلوچستان اساساً از ماهیت روابط میان ایران و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس و اطراف آن سرچشمه می‌گیرد. نمونه‌ای از تاثیر درگیری‌های منطقه‌ای در طرح مسأله قومیت را در بلوچستان ایران می‌توان در روابط ایران و عراق پس از روی کار آمدن حزب بعث در سال ۱۹۶۸ جستجو کرد. کشورهای عرب در مجموع به طرح و تبلیغ اندیشه‌ای پرداختند که تا یک هویت مشخص عرب - سنی در برابر اکثریت فارس - شیعه برای بلوچستان خلق کنند (احمدی، ۱۳۷۹: ۲۶۰).

### ۲-۲-۶- بلوچ‌های پاکستان

کشور پاکستان بر اساس خرده نواحی عمده فرهنگی به چند واحد سیاسی- اداری با عنوان ایالت تقسیم می‌گردد. ایالت بلوچستان با ۴۳/۶٪ کل مساحت پاکستان دارای جمعیتی حدود ۷/۳۵۷/۸۹۵ نفر یعنی ۵/۷٪ کل جمعیت این کشور در سال ۱۹۹۵ است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۵۴). پاکستان عمدتاً توسط پنجابی‌ها اداره می‌گردد، در این کشور به بلوچ‌ها روی خوشی نشان داده نمی‌شود. بی‌سواد، فقیر، ناتوانی دولت پاکستان در رسیدگی به منطقه بلوچستان سبب عقب‌ماندگی این ایالت شده است. این عوامل موجب پیدایش خیزش‌های جدایی طلبانه‌ای گشته که درگیری مسلحانه سالهای ۷۷-۱۹۷۳ «ماری» یک از آن موارد است (Worldmar. 1997:88). روزنامه «حب» در مناطقی که ملی‌گرایان بلوچ سکونت دارند، دارای اثر و رسوخ زیادی می‌باشد در آن بسیاری از سردمداران قوم بلوچ پاکستان از آن طریق خواستار توجه بیشتر به زبان و ادبیات بلوچی در ایران شده اند (جزوه خانه فرهنگ ایران در پاکستان، ۱۳۷۷). استقرار طوایف بلوچ در فاصله مرزهای مشترک سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان بنحو طبیعی باید باعث تفاهم و هماهنگی سه جانبه‌ای برای کنترل استراتژیک قلمرو بلوچ‌نشین شود. این هماهنگی همواره میان

ایران و پاکستان وجود داشته است (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۶۳). آینده ایالت بلوچستان پاکستان، بر استان سیستان بلوچستان به ویژه بخش میانی یا سرحد در نتیجه بر تمامیت ارضی و وحدت ملی ایران تاثیر خواهد گذاشت. هر دگرگونی که منجر به تضعیف حکومت فدرال در پاکستان و سست شدن همگرایی بلوچ‌ها و اسلام آباد گردد، نیروی گریز از مرکز بلوچ‌های استان سیستان بلوچستان را در بخش سرحد افزایش خواهد داد. از سوی دیگر استقرار و تثبیت یک نظام بنیادگرایی حنفی در هر دو کشور پاکستان و افغانستان تاثیر ویران‌کننده‌ای بر قلمروهای بلوچ نشین ایران برجای می‌نهد، واگرایی آنها را به حداکثر خواهد رساند (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۶۳).

### ۳-۲-۶- وهابیت

بسیاری از رهبران مذهبی بلوچ در خارج از کشور در کشورهای عربستان، پاکستان و هند تحصیل کرده یا تحصیل می‌کنند یا خواه ناخواه از اندیشه‌های حاکم بر فضای حوزه‌های علمی آنها متأثر می‌گردند. مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان اظهار می‌دارد: «که چون سطح سواد و مدرکی که در عربستان به مولوی‌ها داده می‌شود بالاتر است، نتیجتاً بسیاری از مولوی‌ها علاقمند هستند که در شان را در آنجا به اتمام برسانند و مدارکی که در هند و پاکستان اعطا می‌شود ارزش علمی معتبری ندارند» (مصاحبه با نگارنده، ۱۳۷۹). در افکار وهابیون شیعیان با توجه به باورهایشان مشرک به شمار می‌روند. بازگشت این مولوی‌ها با توجه به اندوخته‌های علمی در کشوری که تحصیل کرده‌اند و نیز علمای مدعو پاکستانی جهت آموزش علوم دینی در بلوچستان ایران، مناسب‌ترین پوشش برای فعالیت وهابیون است. مسأله وهابیت و گسترش آن در استان به پشتوانه مالی عربستان سعودی و سایر کشورهای خارجی است. از دیدگاه وهابیت این بخش از ایران دارای شرایط مناسب برای تبلیغ و توسعه فرقه وهابیت است از جمله:

- ۱- وجود اهل سنت که نسبت به تشیع در اکثریت قاطع هستند.
- ۲- آزادی عمل وهابیون در پاکستان و نیز کشیده شدن دنباله قومی بلوچ‌های ایرانی به خارج از کشور، زمینه فعالیت و تبلیغات وهابیون را تسهیل می‌کند.
- ۳- سکونت بلوچ‌های حنفی مذهب در نوار مرزی کشور.
- ۴- فقر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و تفاوت‌های مذهبی مرکز و پیرامون در ایران، تأثیر تبلیغات وهابیون مبنی بر اینکه نظام ایران یک نظام شیعی است و نه یک حکومت

اسلامی، باعث شده اشرار محلی به راحتی در قالب مذهب علیه نیروهای حکومتی عمل کنند. در این منطقه وهابیت به عنوان عامل بالقوه براندازی و ایجاد تفرقه و بحران در حوزه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است (مصاحبه با آقای تدین، ۱۳۷۹).

۵- خروج طلاب و روحانیون بلوچ از کشور به منظور گذراندن دوره های عالی دروس دینی در عربستان و پاکستان و وجود جریانات قوی وهابیت در این کشورها سبب خواهد شد که خواه ناخواه متأثر از القانات و جریانات عقیدتی- سیاسی این کشورها می گردند (کریم پور، ۱۳۷۹: ۸۵).

حزب الفرقان بلوچستان ایران تشکلی عمدتاً مذهبی است که مولوی های ناراضی از حکومت شیعی ایران در آن فعال اند این حزب در پاکستان وابسته به سپاه صحابه است. سپاه صحابه پیوسته در ارتباط با حکومت سعودی هستند (محقق، ۱۳۷۲: ۶۴) که عمدتاً به دعوت وزارت حج اوقاف عربستان به آن کشور اعزام می گردند. این انجمن بیشترین سهم را در دامن زدن به ناآرامی ها و آشوب های فرقه در پاکستان دارد. بیشتر تشکیلات شبه نظامی افراطی و ضد شیعی است که فلسفه وجودی آن مبارزه با انقلاب اسلامی و نابودی شیعیان پاکستان است. آنها شیعیان را به عنوان مسلمان به رسمیت نمی شناسند.

#### ۴-۲-۶- نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات

در خارج از ایران بسیاری از جنبش های ناحیه گرا در قالب سایت های اینترنتی به نشر افکار و ایده های قومی و ناحیه ای خود می پردازند. به گونه ای که تشکل های سیاسی که تاکنون در خارج کشور توان اثرگذاری چندانی بر فرایندهای داخلی را نداشتند، امروزه در قبال بسیاری از رویدادهای ملی و محلی واکنش نشان می دهند. در منطقه بلوچستان ایران نیز طی چند سال اخیر سایت های اینترنتی وابسته به مخالفین نظام ج.ا. ایران فعال شده اند. جبهه متحد بلوچستان ایران یکی از این گروه هاست که در چارچوب وبسایت ها فعالیت خود را به آگاهی همگان می رساند. بر اساس بند دو (۲) مرامنامه این جبهه، دفاع از یک نظام سیاسی دموکراتیک و غیر متمرکز در ایران، در شکل فدرال، خودمختار و یا خودگردان را وظیفه خود می داند و گرایش های ناحیه ای اش را در قالب تبلیغ محرومیت های فرهنگی، آموزشی و سیاسی منطقه بلوچستان اعلام می دارد ([www.jebch\\_baloch@yahoo.com](mailto:www.jebch_baloch@yahoo.com)).

## ۷- نتیجه پیمایش

پژوهش مذکور در قالب پرسشنامه به صورت باز و بسته، مصاحبه با مسئولان استانی، مولوی‌ها و اعضای شورای شهر شهرهای با اکثریت بلوچ تدوین و طراحی شده است. در نتیجه تجزیه و تحلیل پیمایش فوق نتایج زیر به دست آمد: با توجه به تحولات جهانی، افزایش سطح سواد، بالا رفتن آگاهی‌های عمومی، گسترش ارتباطات و رسانه‌های گروهی، فرهنگ کشور در چند ده اخیر به شدت متحول گردیده، در منطقه بلوچستان نیز فرهنگ بلوچ‌ها به شدت متأثر از عوامل فوق دگرگون شده است در نتیجه آگاهی نسبت به مشترکات و تمایزات قومی و فرهنگی بلوچ‌ها با سایر اجزای ملت ایران نیز افزایش یافته که پیامد آن در قالب افزایش هم‌گرایی آنها با ملت ایران بوده است، به گونه‌ای در شرایط کنونی میان قشر جوان تحصیل کرده دانشگاهی و مولوی‌های بلوچستان نوعی رقابت و تضاد فکری وجود دارد. تحصیل کردگان سنت‌های گذشته که بیشتر مولوی‌ها طرفدار آن هستند را نمی‌پذیرند و خواهان تحول در آموزه‌های سنتی منطقه هستند و جهت‌گیری این تحول در راستای اشتراکات با سایر اجزای ملت ایران می‌دانند (مصاحبه با آقای تدین، ۱۳۷۹). بلوچ‌ها از نظر آداب، رسوم و هنجارها به شدت متأثر از دین اسلام بوده‌اند. توجه به دستورها و فرائض دینی در میان بلوچ‌ها از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد و همین امر موجب افزایش منزلت اجتماعی روحانیون مذهبی بلوچ یا مولوی‌ها در نزد مردم گشته است. بررسی‌ها حاکی از احساس اشتراک دینی بلوچ‌ها با بقیه مردم ایران دارد. از آنجا که همه اقوام ایرانی مسلمان هستند توجه به عنصر دین اسلام در سطح ملی و منطقه‌ای می‌تواند افزایش میزان همگرایی در میان همه اقوام ایرانی را به دنبال داشته باشد.

بلوچ‌ها در جنوب شرق کشور، اهل سنت و حنفی مذهب‌اند. از این رو بلوچ‌ها با اکثریت ملت ایران که شیعه‌اند تفاوت مذهبی دارند. همین تفاوت مذهبی باعث شده بلوچ‌ها در فعالیت سیاسی کناری باشند و در طول تاریخ در حاشیه حیات سیاسی قرار گیرند. بلوچ‌ها نسبت به سیاست دولت مرکزی با دیده شک می‌نگرند، حتی پس از پیروزی انقلاب این احساس عدم اطمینان افزایش یافته است. آنها معتقدند که دولت مرکزی عدالت را در میان همه اقوام ایرانی رعایت نکرده و فقر و نابرابری موجود در استان ناشی از سیاست‌های دولت مرکزی بوده است (مصاحبه نگارنده با مولوی احمدی، ۱۳۷۹). دولت مرکزی به علت همین تفاوت مانع از رشد و ترقی اهل سنت بویژه بلوچ‌ها در سلسله مراتب اداری و اجرایی کشور و حتی استانی شده است

(مصاحبه نگارنده با مولوی عبدالحمید، ۱۳۷۹). در بدو انقلاب تاکنون تنها نخستین استاندار این استان بلوچ بوده و دیگران استانداران و مقامات اداری و اجرایی تاکنون غیر بلوچها بوده‌اند (مصاحبه نگارنده با قاسمی، ۱۳۷۹). همین عدم به کارگیری بلوچها در فرآیند مشارکت ملی باعث احساس تبعیض در میان آنها گشته‌است. هرچند پس از جنگ تحمیلی رویکرد حکومت نسبت به قوم بلوچ رویکردی جذبی شد و بلوچها نیز از آن استقبال کردند و افزایش درصد مشارکت بلوچها در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی حاکی از این موضوع است.

بعد مسافت یا فاصله جغرافیایی نیز در کاهش همبستگی ملی مؤثر است. زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان دورترین مرکز استان کشور نسبت به تهران است با اینکه نیمی از جمعیت آن اهل سنت‌اند اما ظاهر و نمای شهر کاملاً شهری شیعی می‌نماید و این موضوع ناخرسندی اهل سنت را به دنبال داشته‌است. میزان راههای درون و برون استانی این استان متناسب با گستره سرزمینی آن نیست. بعد مسافت بر میزان ارتباطات و مراوات اقتصادی و فرهنگی مردم مناطق مختلف کشور مؤثر است.

در میان بلوچها اساساً شیوه تولید اقتصادی و اجتماعی آنها بر اساس روابط قبیله‌ای یا گرفته است. هر یک از افراد بلوچ خود را به طایفه و ایلی منتسب می‌داند. خواه در جامعه شهری و خواه روستایی قسمت اعظم جمعیت بلوچستان را ایلات و طوایف بلوچ تشکیل می‌دهند. قوم بلوچ به صورت قبایل مختلف پراکنده بر از اختلافات ظاهر می‌شود. همین تنوع و تفرق باعث شده آنها هیچگاه در طول تاریخ یکپارچه ظاهر نگردند. حکومت‌های مرکزی همیشه از وجود اختلافات، تنوع و تفرق این قبایل استفاده کرده‌اند.

قوم بلوچ بیشتر در دو کشور ایران و پاکستان ساکن‌اند و عمده ارتباطات و مراودات آنها نیز در این دو کشور متمرکز است. بلوچستان ایران در دهه های اخیر با افزایش درصد باسوادان و سطح سواد، گسترش رسانه ها و ارتباطات از جهت فرهنگی به شدت متأثر گردیده به گونه‌ای که این تحول سبب افزایش سطح خواسته‌ها و مطالبات قومی بلوچها شده‌است. درسالهای اخیر آنها احساس کرده‌اند می‌توانند از طرق مختلف قانونی مطالبات و خواسته‌های خود را پیگیری و تحصیل نمایند (مصاحبه نگارنده با تدین، ۱۳۷۹). بلوچ‌های سایر کشورهای منطقه از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسبت به بلوچ‌های ایران پایین‌ترند و کشورهای افغانستان و پاکستان نیز از جهت شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نسبت به ایران عقب مانده‌ترند، بنابراین بلوچ‌های

ایران اوضاع و شرایط اجتماعی و فرهنگی خود را از بلوچ‌های سایر کشورهای منطقه پیشرفته‌تر می‌دانند (نتیجه نظرسنجی از اعضای شورای شهر، ۱۳۷۹)، در نتیجه گرایش به خارج از کشور یا همان واگرایی در میان بلوچ‌های ایران ضعیف است، اما مردم منطقه بلوچستان بیشتر نیازمندی‌ها و مایحتاج خود را به علت دوری از مرکز، بعد مسافت و هزینه حمل و نقل از طریق پاکستان تأمین می‌کنند (همان منبع).

بلوچ‌های ایران از نظر احساس سیاسی، علاقه‌مند به یکپارچگی سرزمینی ایران هستند. احساس همبستگی ملی بلوچ‌ها با توجه به میزان مشارکت ملی آنها در انتخابات متعدد ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی روندی فزاینده داشته است به گونه‌ای که در انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۰) بیش از ۷۰٪ مردم استان سیستان و بلوچستان در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند که نسبت به میانگین ۶۶٪ کل کشور ۴ درصد بالاتر بود.

### نتیجه‌گیری

کمتر دولت و ملتی در دنیا وجود دارد که از بعد ترکیب جمعیتی همگن باشد. نوع رویکرد حکومت در برخورد با این تنوعات عموماً مبتنی بر شمار جمعیت اقلیت‌ها، موقعیت استراتژیک آنان، دوری و نزدیکی آنان از بعد فرهنگی با قومیت مرکزی تفاوت می‌کند. ایران نیز کشوری است که منظر ترکیب جمعیتی ناهمگن و ناهمسان است. در عین حال عوامل متعددی در به هم پیوستگی آنان مؤثر بوده است. قوم بلوچ در جنوب شرقی ایران از جمله اقوامی است که عوامل متعددی در حوزه دین، زبان، ریشه‌های تاریخی مشترک آنان را با قوم اکثریت (فارس) پیوند زده اما عوامل دیگری چون مذهب، فاصله جغرافیایی، نگرش حکومت در عدم مشارکت جدی آنان در حوزه مدیریتی خرد و کلان سبب جدایی آنان از قوم اکثریت گردیده است.

برآیند تحقیق پیمایشی مذکور نشانگر آن است که روند همبستگی ملی در این منطقه با دیگر اجزای ملت ایران رو به فزونی است، لذا جهت افزایش میزان انسجام ملی پیشنهادهای زیر توصیه می‌گردد:

### ۸- پیشنهادها

در منطقه بلوچستان ایران برای تقویت همسانی‌ها و پیوندهای قوم بلوچ با دیگر اجزای

ملت ایران و نبل به همبستگی ملی و همچنین تقویت آن بخش از هویت قوم بلوچ که در راستای تقویت هویت ملی بوده و موجب تسهیل در امر وحدت ملی می گردد پیشنهادهای زیر مطرح می شوند:

۱- ایران کشور اقوام مختلف با فرهنگهای متفاوت است با عنایت به اینکه عوامل مختلفی این اقوام را به هم پیوند داده است، عواملی نیز آنها را از هم متمایز می سازد و از جمله این تمایزات مذهب اهل سنت است. مذهب در نزد مردم ایران خواه اهل سنت و خواه تشیع از قداست خاصی برخوردار است. بدین لحاظ احترام به اعتقادات و باورهای اهل سنت بلوچ از سوی مسئولین کشوری، استانی و رسانه های گروهی نقش مهمی در کاهش اثر این تمایز دارد، لذا اعطای آزادی کامل و به دور از دخالت دولت مرکزی در امور مذهبی اهل سنت بلوچ کارکرد مهمی دارد.

۲- با توجه به اینکه بلوچهای اهل سنت اکثریت جمعیت استان سیستان و بلوچستان را تشکیل می دهند، در شرایط عادی همانند شرایط کنونی که امنیت ملی کشور تهدید نمی گردد، شایسته است بیش از گذشته به نخبگان محلی بلوچ اطمینان کرد و مراکز و پستهای تصمیم گیری به آنها واگذار شود، زیرا مهمترین شاخص اعتماد و احترام به اقوام اقلیت و گذاری مراکز تصمیم گیری به خود آنان است.

۳- تبعیض قایل شدن میان اقوام مختلف از جهت فرهنگی، اقتصادی و ... در کشور نقش بسیار مخربی بر روحیه همبستگی ملی دارد. در استان سیستان و بلوچستان میان بلوچهای اهل سنت و تشیع فارسی زبان و غیر بومی های استان از جهت مشارکت ملی و دست داشتن در امور اداری و اجرایی استان تفاوت فاحشی وجود دارد به طوری که از مسئولین سیاسی استان تنها دونفر از بخشداران بلوچ هستند و دیگر مسئولین سیاسی غیر بلوچ اند. از این رو به کارگیری بلوچها در مصادر اداری و اجرایی استان و رفع تبعیض نقش عمده ای در تقویت روحیه همبستگی ملی دارد.

۴- هر چند اهل تسنن در کشور مطابق قانون اساسی اقلیت به شمار نمی روند ولی در عمل به بزرگترین اقلیت کشور تبدیل شده اند. تمایز دینی بلوچهای اهل سنت با اکثریت تشیع دیگر اجزای ملت ایران حداقل در طول ۲۲ سال گذشته مانع از ورود جدی بلوچها به کارهای اداری و اجرایی کشور و حتی استانی شده بنحوی که اکثریت مدیران استان شیعه و یا غیر بومی اند. از این جهت حذف ماده مذهب در گزینشها و استخدامهای دولتی به منظور مشارکت همه جانبه بلوچها در سطح استان و کشور جهت کاهش واگرایی و تقویت روحیه همبستگی ملی ضروری است.



۵- ایجاد حوزه‌های علمیه اهل تسنن در سطح عالی. یکی از دلایل گسترش وهابگری خروج طلاب و روحانیون بلوچ از کشور به منظور گذراندن دوره‌های عالی در عربستان، پاکستان و هند است. با تأسیس حوزه‌های علمیه در سطح عالی در شهرهای عمده استان که بتوانند این وظایف را بر عهده گیرند، تا در رفت و آمد روحانیون یا مولوی‌ها به خارج تغییری روی دهد. لازم به ذکر است مولوی‌ها در این کشورها خواه ناخواه متأثر از القائات و جریانهای عقیدتی و سیاسی خواهند شد.

۶- در سالهای اخیر حس همگرایی در میان اقوام بلوچ نسبت به مرکز افزایش یافته است، اما در زمینه تأمین نیازمندی‌های مردم گرایش عمومی بلوچ‌ها به سوی (بلوچستان) پاکستان است. بدین جهت حس همگرایی متأثر می‌گردد. از این جهت دولت مرکزی موظف است زمینه تأمین نیازمندی‌های عمومی مردم را از داخل کشور تأمین کند.

۷- صدا و سیما برنامه‌های خاص منطقه متناسب با فرهنگ و سلیقه بلوچ‌ها به زبان فارسی و بلوچی تهیه کند، به گونه‌ای که این برنامه‌ها بلوچ‌های پاکستان و شیخ‌نشین‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و هدف برنامه‌ها جلب و جذب افکار عمومی آن منطقه به داخل کشور و القای ملیت ایرانی به آنها باشد.

۸- حکومت نمی‌تواند با سایت‌های سیاسی دارای گرایش‌های ناحیه‌ای که بیشتر در خارج از کشور طراحی می‌شوند برخورد کند، لذا ضروری به نظر می‌رسد سایت‌های خاصی از سوی حکومت آن هم مبتنی بر کار کارشناسی طراحی شوند که در این سایت‌ها به ذکر پیشینه تاریخی مناطق و شرایط اجتماعی، اقتصادی و ... آنان پردازد و محوریت برنامه چنین سایت‌هایی بر افزایش آگاهی قومی و تبیین پیوندهای آن قوم با دیگر اقوام ایرانی در راستای وحدت ملی باشد.

## آمار کلیه انتخابات برگزار شده پس از پیروزی انقلاب اسلامی در استان سیستان و بلوچستان

جدول ۱: انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده در استان سیستان و بلوچستان از آغاز انقلاب تا سال ۱۳۸۰

سال انتخابات	درصد شرکت کننده	تعداد شرکت کنندگان در انتخابات	تعداد واجدین شرایط رأی دادن	انتخابات ریاست جمهوری	ردیف
۱۳۵۸/۱۱/۵	٪۳۴	۱۴۳۲۴۹	۴۱۶۵۰۰	دوره اول	۱
۱۳۶۰/۵/۲	٪۲۹	۱۳۶۳۹	۴۵۷۲۸۰	دوره دوم	۲
۱۳۶۰/۷/۱۰	٪۴۶	۲۱۷۶۸۴	۴۶۷۸۵۰	دوره سوم	۳
۱۳۶۴/۵/۲۵	٪۳۱	۱۷۵۹۶۸	۵۵۱۲۰۸	دوره چهارم	۴
۱۳۶۸/۵/۶	٪۳۸	۲۵۶۹۹۳	۶۶۴۴۲۹	دوره پنجم	۵
۱۳۷۲/۳/۲۱	٪۴۲	۳۱۷۰۷۵	۱۳۹۵۷۵	دوره ششم	۶
۱۳۷۶/۳/۲	٪۶۸	۵۴۸۰۵۷	۷۹۴۹۶۷	دوره هفتم	۷
۱۳۸۰/۳/۱۸	٪۷۰	۷۰۲۴۴۴	۱۰۰۱۵۹۳	دوره هشتم	۸

جدول ۲: کلیه انتخابات برگزار شده مجلس شورای اسلامی در استان سیستان و بلوچستان از آغاز انقلاب تا سال ۱۳۷۸

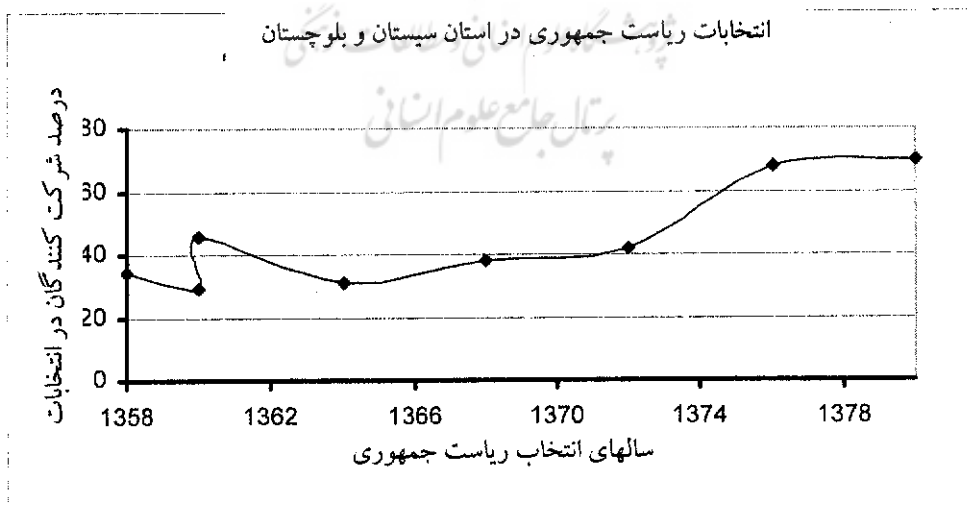
سال انتخابات	درصد شرکت کننده	تعداد شرکت کنندگان در انتخابات	تعداد واجدین شرایط رأی دادن	انتخابات ریاست جمهوری	ردیف
۱۳۵۸/۱۲/۲۴	٪۳۰	۱۲۴۰۶۵	۴۱۶۵۰۰	دور اول	۱
۱۳۶۳/۱/۲۶	٪۳۸	۱۹۳۷۶۴	۵۰۲۰۵۲	دور دوم	۲
۱۳۶۷/۱/۱۹	٪۵۰	۳۰۲۰۶۸	۶۰۵۱۷۶	دور سوم	۳
۱۳۷۱/۱/۲۱	٪۵۳	۳۸۸۱۴۰	۷۲۹۴۸۳	دور چهارم	۴

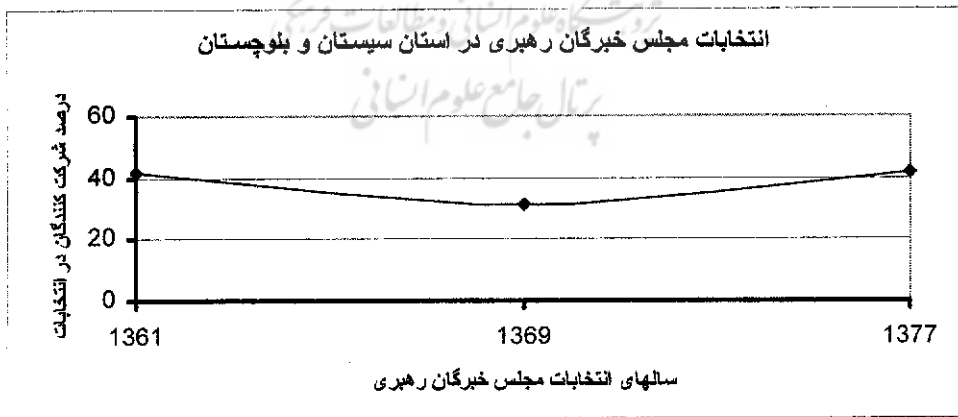
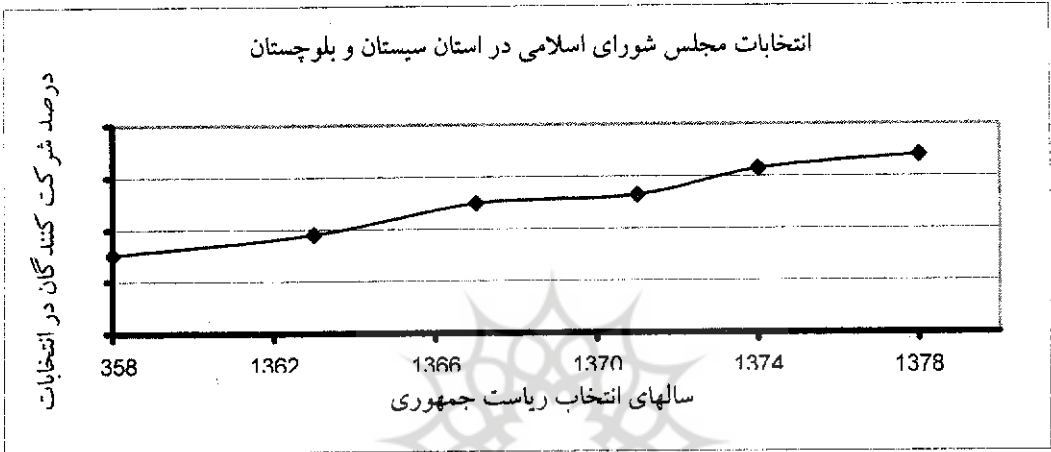
۱۳۷۴/۱۲/۱۸	%۶۳	۵۱۹۸۸۴	۸۲۸۰۰۰	دور پنجم	۵
۱۳۷۸/۱۱/۲۹	%۶۸	۶۳۰۶۳۸	۹۱۶۷۵۲	دور ششم	۶

جدول ۳: کلیه انتخابات برگزار شده مجلس خبرگان رهبری در استان سیستان و بلوچستان از آغاز انقلاب تا سال ۱۳۷۸

سال انتخابات	درصد شرکت کننده	تعداد شرکت کنندگان در انتخابات	تعداد واجدین شرایط رأی دادن	انتخابات ریاست جمهوری	ردیف
۱۳۶۱/۹/۱۹	%۴۲	۱۹۲۲۸۸	۴۵۷۲۸۰	دور اول	۱
۱۳۶۹/۷/۱۶	%۳۱	۲۱۰۳۷۲	۶۶۴۴۲۹	دور دوم	۲
۱۳۷۷/۸/۱	%۴۲	۳۸۵۵۲۸	۹۰۰۸۸۱	دور سوم	۳

منبع: اداره کل انتخابات وزارت کشور





## منابع

- ۱- ابوظالبی، علی، حقوق اقلیت‌ها و همگرایی، برگردان علی کریمی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲ و ۳ زمستان و بهار ۷۹-۱۳۷۸.
- ۲- احمدی، حمید، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، چاپ دوم، انتشارات نی، ۱۳۷۹.
- ۳- استانداری سیستان و بلوچستان، دفتر تقسیمات، ۱۳۷۹.
- ۴- افشار، ایرج، بلوچستان و تمدن دیرینه آن، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۳.
- ۵- براهویی، نرجس خاتون، نگاهی به فرهنگ و مردم بلوچستان، فصلنامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره یکم، ۱۳۷۸.
- ۶- بهفروز، فاطمه، زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، چاپ اول انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ۷- پیشگاهی فر، زهرا، چشم اندازهای جغرافیایی در عصر جهانی شدن، فصلنامه راهبرد نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک، پائیز ۱۳۸۰.
- ۸- تاجیک، محمدرضا، تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات نوشته مراد صدوقی، چاپ اول، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.
- ۹- ترابی، سید ابوالحسن، پایان نامه کارشناسی ارشد، زبان شناسی همگانی، توصیف ساختمانی گروه فعلی در زبان بلوچی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۹.
- ۱۰- توسلی، غلامعباس، ملیت، مذهب و آینده تمدن ایرانی، ماهنامه ایران فردا، شماره ۶ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۲.
- ۱۱- جزوه خانه فرهنگ ایران در پاکستان، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در پاکستان، نگاهی بر مطبوعات بلوچستان پاکستان، ۱۳۷۷.
- ۱۲- جلایی پور، حمید رضا، کردستان و علل بحران پس از انقلاب اسلامی، چاپ اول انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.
- ۱۳- جلایی پور، حمید رضا، مباحث پایه، هویت ملی و اقوام ایرانی در عصر نخیزش قومیت‌ها، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۵.
- ۱۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی - زاهدان، ۱۳۸۰.

- ۱۵- حافظ نیا، محمد رضا، جزوه درسی جغرافیای سیاسی ایران، منتشر نشده، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
- ۱۶- حافظ نیا، محمد رضا، وضعیت ژئوپولیتیکی پنجاب در پاکستان، چاپ اول، انتشارات الهدی، ۱۳۷۹.
- ۱۷- درایسدال، آلاسدایر، و جرالد، اچ بلیک، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، برگردان دره میرحیدر، چاپ سوم، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
- ۱۸- دفتر تقسیمات کشوری (وزارت کشور)، ۱۳۷۹.
- ۱۹- دهقان، امیر رضا، مقاومت فرهنگی در بستر هویت ملی، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۲۸، پاییز ۱۳۸۲.
- ۲۰- زندی، ابراهیم، بحران قومی و وحدت ملی: الگوی سیاست قومی در ج.ا.ایران، فصلنامه فرهنگ اندیشه، سال سوم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۰.
- ۲۱- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، نگاهی گذرا بر مطبوعات بلوچستان در پاکستان، جزوه خانه فرهنگ ج.ا.ایران در کویته پاکستان، ۱۳۷۷.
- ۲۲- سرشماری آمار عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵.
- ۲۳- شه بخش، عظیم، مرزهای سیاسی برای بلوچستان، فصلنامه گفتگو تیرماه ۱۳۷۷.
- ۲۴- شیخاوندی، داور، زرایش و خیزش ملت، چاپ نخست، انتشارات ققنوس، ۱۳۶۹.
- ۲۵- شیخاوندی، داور، نوروژ، نماد همبستگی ملی اقوام ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳ و ۲، زمستان و بهار ۷۹-۱۳۷۸.
- ۲۶- صحفی، سید محمد، ژئوپولیتیک فرهنگی، چاپ اول، انتشارات شمس، شهریور ۱۳۸۰.
- ۲۷- طباطبایی، سید جواد، دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران، چاپ نخست، نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۰.
- ۲۸- عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، چاپ چهارم، انتشارات نی، ۱۳۷۷.
- ۲۹- عیوضی، رحیم، ناسیونالیسم مدرن در ایران، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۲۸، پاییز ۱۳۸۲.
- ۳۰- غراب، کمال الدین، بلوچستان یادگار متروود قرون، چاپ دوم، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۶۴.
- ۳۱- فلاحی، علی؛ ملت - دولت در پدیدار جهانی شدن، فصلنامه راهبرد؛ انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۰.

- ۳۲- قالیباف، باقر، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، بررسی و نقش عناصر جغرافیایی در امنیت سیستان و بلوچستان، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۳۳- قاضی، ابوالفضل، *بایسته های حقوق اساسی*، چاپ دوم، نشر دادگستر، ۱۳۷۵.
- ۳۴- کاتم، ریچارد، *ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه احمد تدین، انتشارات کویر، ۱۳۷۱.
- ۳۵- کریم پور، یداله، پایان نامه دکتری جغرافیای سیاسی: تحلیل نواحی ژئوپولیتیک نواحی بحرانی سیستان و بلوچستان، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۱.
- ۳۶- کریم پور، یداله، *مقدمه ای بر ایران و همسایگان*، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تربیت معلم، فروردین ۱۳۷۹.
- ۳۷- مجتهدزاده، جغرافیا و سیاست در فرآیند نوین نگاهی به برخی مفاهیم جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مهر و آبان ماه ۱۳۷۶.
- ۳۸- مجتهدزاده، پیروز، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- ۳۹- محقر، احمد، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، *فرقه گرایی در پاکستان*، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲.
- ۴۰- مویر، ریچارد، *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، برگردان دره میرحیدر، چاپ اول، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۹.
- ۴۱- میرحیدر، دره، *مبانی جغرافیای سیاسی*، چاپ سوم، انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- ۴۲- نظر سنجی از اعضای شوراهای شهر استان که در قالب پرسشنامه توسط نگارنده در دیماه ۱۳۷۹ به عمل آمده است.
- ۴۳- نظر سنجی از کارگزاران دولتی استان که در قالب پرسشنامه توسط نگارنده در دیماه ۱۳۷۹ به عمل آمده است.
- ۴۴- وزارت آموزش و پرورش، *جغرافیای سیستان و بلوچستان*، ۱۳۷۵.
- ۴۵- هاشم گلپایگانی، اکبر؛ *جامعه صنعتی و جامعه اطلاعاتی*، فصلنامه نامه فرهنگ، سال دوازدهم، دوره سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱.
- ۴۶- *هفته نامه زاهدان*، سه شنبه ۶ دی، سال اول، شماره ۴۰۰، صفحه ۶، ۱۳۷۹.

- ۴۷- تدین، معاون مدیر کل حراست استان سیستان بلوچستان، مصاحبه نگارنده ۷۹/۱۰/۲۲
- ۴۸- قاسمی، سرپرست قبایل و طوایف دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت (استان سیستان و بلوچستان)، مصاحبه نگارنده ۱۳۷۹/۱۰/۲۲
- ۴۹- ملازهی، عبدالحمید، امام جماعت اهل سنت شهر زاهدان، مصاحبه نگارنده ۷۹/۱۰/۲۲
- ۵۰- مولایی، دانیال، معاون سیاسی استانداری سیستان و بلوچستان، مصاحبه نگارنده ۷۹/۱۰/۲۳
- ۵۱- مولوی احمدی، استاد حوزه علمیه مکی اهل سنت شهر زاهدان، مصاحبه نگارنده ۷۹/۱۰/۲۴

52. Worldmar Ker.1997. Encyclopedia of culture & daily life.V.3 Asia and Oceania by timoth 10. Gall. (Bulach).
53. Dikshit.Ramesh.1994.Political Geography. New Delhi.
54. Dalby, Simon, against globalization from above, Environment and Planning: society and space, 1999, vol 17.
55. Held, David, Globalizing world? Rutledge publisher, London, 2000.
56. www. Jebeh\_baloch@yahoo.com